

فريدون صد يقى
پيشكسوت روزنامه نگارى

رسانه، ابزار کاربردى تامين اجتماعى است

روزنامه‌نگارى تخصصى محصول بالارزى است که امروز بايد توسط اهالى رسانه، نهادهای رسمى و مردم به رسميت شناخته شود. از نظر من گروه‌هاى فکرى و نهادهائى که رويکردى خاص را در قبال مسائل اتخاذ مى‌کنند بايد آفريننده رسانه‌هاى تخصصى مرتبط با رسالت و گفتمان خودشان باشند. از اين رو، با توجه به گستر دگى خانواده تامين اجتماعى ورود حرفه‌اى اين سازمان به وادى رسانه‌هاى مکتوب و آنلاين يکى از اولويت‌هاى سازمان است. شنين و خواندن موضوعاتى که به حوزه تامين اجتماعى مى‌پردازد نيازى جدى و ضرورى است. البته توليد محتواى تخصصى در حيطه رفاه و تامين اجتماعى به طور کلى سياست گذارى‌هاى اجتماعى کافى نيست. به عبارتى، اطلاع‌رسانى مسائل تامين اجتماعى تنها از طريق رسانه‌هاى مکتوب موجود کم است و شايد توليد يک برنامه يک ساعته روزانه تلويزيونى در خصوص مسائل اين حوزه ضرورتى انکارناپذير باشد. با توجه به پيشرفت تکنولوژى و گسترش فناورى‌هاى نوين به موازات ورود تکنولوژى‌هاى خاص در رسانه‌هاى مکتوب، بستر بروز و نمود رسانه‌هاى آنلاين و پيدايش شبکه‌هاى مجازى نيز روزه‌روز در حال افزايش است. بنابر اين مى‌تلبد که تامين اجتماعى براى ارتباط موثر با مخاطبان و معرفى طرح‌ها و برنامه‌هاى هدايت فعاليت خبرى خود را به سمت رسانه‌هاى آنلاين در اولويت قرار دهد و حرفه‌اى تر فعاليت سايت و پا يگاه‌هاى خبرى موجود را در دستور کار قرار دهد. هنگامى که بسيارى از امور بيمه‌اى سازمان از طريق سامانه‌هاى خاص به صورت آنلاين انجام مى‌شوند، مى‌تلبد که براى بهبود اين تعامل حر کتى حرفه‌اى تر نيز در عرصه خبرى به منصه ظهور برسد و داشتن يک برنامه راديو يى قو ى و برنامه تلويزيونى جذاب متعلق به اين سازمان امرى مهم و بديهى است.

احمد مسجد جامعى
وزير اسبق فرهنگ و ارشاد

فرهنگ بيمه‌اى در بين روزنامه نگاران وجود ندارد

روزنامه‌نگارى در ايران به لحاظ تاريخى سابقه بلندبالايى دارد. از روزهاى که روزنامه «وقايع الاتفاقيه» به عنوان اولين جريده ايرانى منتشر مى‌شد زمان زيادى مى‌گذرد. سال‌ها گذشت و روزنامه‌ها يکى پس از ديگرى پا گرفتند و سنت مطبوعاتى ايران را شکل دادند. اما آيا همزمان با رشد مطبوعات و ريشه دواندنشان در عرصه اجتماعى و متناسب با اين ساختار، نهادهائى پشيبان، ناظر و حامى نشر از افکار و اندیشه‌ها و مهم‌تر از همه روزنامه‌نگار و روزنامه‌نگارى شکل گرفته است؟ پاسخ منفى است. تا چندى پيش بسيارى از نهادهائى مهم از جمله دانشگاه‌هاى تخصصى روزنامه‌نگارى و رشته‌هاى تخصصى وجود نداشتند. قوانين و مقررات، تشکلى‌هاى صنفى و… نيز همين طور. مادر اين حوزه‌ها نقصان‌هاى زيادى داشتيم. حتى بعد از ايجاد نهادهائى آموزشى خاص روزنامه‌نگارى، فارغ‌التحصيلان اين رشته پيش از آنکه جذب روزنامه‌ها و نهادهائى رسانه‌اى شوند، جذب فعاليت‌هاى خاص از اين حوزه مى‌شدند. از طرفى کتاب‌هاى خاص اين حوزه نيز در مقايسه با رشته‌هاى تخصصى ديگر محدودتر است. فعاليت مطبوعات و به تعبيرى عمر رسانه‌ها در ايران، بنا به شرايط اقتصادى و يى سياسى کوتاه است و تجربه‌ها به شکل مطلوب تجميع نمى‌شوند. علاوه بر آن کمتر اتفاقى مى‌افتد که خبرنگاران براى تمام عمر کارى شان (تا بازنشستگى) در يک روزنامه باقى بمانند. در اين وضعيت، چشم‌پنداز اقدامات و هدف گذارى‌هاى بلندمدت چه به صورت فردى و چه به صورت جمعى فراموش مى‌شود. از مهم‌ترين اين مسائل، بيمه خبرنگاران و روزنامه‌نگاران است. دست کم پيش از ده سال است اين موضوع دستمايه بحث و گفت‌وگو است و رفتار در پيچ‌وخم‌هاى قانون گذارى، به بارتى ديگر مسئله بيمه چالش همواره عرصه مطبوعات است. اما علت را بايد در چه جست؟ يک وجه اين چالش به ضعف نهاده‌ا و دستگاه‌هاى اجرائى مربوط است و وجه دوم که نبايد از آن غافل شد، عدم مطالبه اين حق از طرف تحرير به‌ها و روزنامه‌نگاران است. در واقع «بيمه» هيچ‌گاه به شکل درست و عمومى مطرح نشده و شکل مطالبه‌و خواسته جمعى به خودنگرفته است. تبديل شدن اين خواست حقه به فرهنگ، تداوم گفت‌وگوار مى‌تلبد. جا يى که مى‌تواند بستر مناسبى براى تداوم گفت‌وگو و بحث در خصوص بيمه خبرنگاران باشد و اجماع نظرى را در اين باره بين اصحاب رسانه ايجاد کند، نشریات تخصصى حوزه رفاه و تامين اجتماعى هستند که «آتيه‌نو» نمونه بارز آن هاست. البته تعداد اين نوع نشریات که به‌طور تخصصى مباحث اين چنينى را دنبال مى‌کنند کم است، اما بايد گفت امروز وجود چنين نشریات تخصصى براى پيشبرد مباحث خرد و کلان سياست گذارى‌هاى اجتماعى از واجبات حفظ حيات نظام رسانه‌اى است و پشيبان آتیه روزنامه‌نگاران.

نهادهای صنفى از ورود به حوزه‌هاى سياسى پرهيز کنند

سپروس على نژاد، پيشكسوت روزنامه‌نگارى، در بازديد از غرفه رسانه‌هاى تامين اجتماعى گفت: «تشکلى‌هاى صنفى بهتر است با رسيدن به درک و برداشت درست از وظائف و کارکردهاى خود در عرصه روزنامه‌نگارى، مطالبات صنفى اعضا را پيگيرى کنند.» وى با بيان اينکه در عرصه مطبوعات مرز ميان کار صنفى و سياسى بسيار باريک است، وظيفه اصلى نهادهائى مدنى مانند انجمن‌هاى صنفى را پرهيز از ورود به مسائل سياسى عنوان کرد و افزود: «لازم است اين نهاده‌ا با شناخت درست وظائف خود از ورود به حوزه‌هاى ممنوعه پرهيز کنند.» على نژاد در خصوص وظائف دولت در عرصه مطبوعات نيز تاکيد کرد: «بهترين حالت براى دولت اين است که در کار تشکلى‌هاى صنفى کم‌ترين دخالت را داشته باشد.»



دکتر حسن نمک‌دوست، مدرس روزنامه‌نگارى، در گفت‌وگو با آتیه‌نو

مهم‌ترين مسئله، دستمزدهاى ناعادلانه است

دکتر حسن نمک‌دوست تهرانى، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگارى، از صاحب‌نظرانى است که اعتقاد دارد بايد واقعيت‌هاى روزنامه‌نگارى را آن گونه که هست ديد و تحليل کرد و براساس آن‌ها براى مشکلات فعلى چاره‌جويى کرد. در يکى از روزهاى نمايشگاه مطبوعات او روبه‌روى خبرنگار آتیه‌نو نشست و بر اين نکته تاکيد کرد که پيش از هر موضوع بايد حقوق و دستمزدهاى فعلى را در حد شان و زحمت روزنامه‌نگاران اصلاح کرد و افزايش داد تا ابتدايى ترين حق آن‌ها يعنى بر خوردارى از منبع معاش حداقلى و آبرومند تامين شود. او قويا تاکيد مى‌کند دنبال کردن مطالباتى چون سخت و زيان‌آورى شغل خبرنگارى در شرايطى که اين حداقل‌ها تامين نيستند تنها اشتباه گرفتن صورت واقعى مسئله است.

حتما همين طور است. البته من از جمله کسانى هستم که متقدم ساختار روزنامه‌نگارى ايران به گونه‌اى است که يک انجمن صنفى نمى‌تواند جوابگوى آن باشد و ما احتياج به انجمن‌هاى صنفى مختلف داريم که الگوهاى آن هم در جهان وجود دارد. در دنيا هم الگوهاى انجمنى مانند سوئد وجود دارد و هم الگوهاى چندانجمنى مانند فرانسه. اتفاق عجيبى که براى انجمن‌هاى صنفى ما افتاده اين است که اين تشکلى‌ها اغلب نه تنها به يکديگر کمک نمى‌کنند که حتى دست به انکار يکديگر هم مى‌زنند. بنابر اين به رسميت نشناختن حقوق صنفى در ميان روزنامه‌نگاران يکى از مضللات اصلى است اما نمى‌توان تنها دليل وجود مشکلات کنونى را به نبود انجمن صنفى مرتبط دانست. حتى اگر هم چنين انجمنى داشتيم باز هم معضلات حل نمى‌شدند. چون پرداختن انجمن‌ها به چالش‌ها، کمتر توجه مسائل ساختارى بوده و اگر هم به اين سمت رفته‌اند، حوزه‌ها يى مانند سخت و زيان‌آور بودن شغل را انتخاب کرده‌اند که به هيچ‌وجه قابل دفاع نيست. ما به جاى اينکه به صورت طبيعى خواستار افزايش به حق و درست دستمزدهايمان شويم، که اغلب به‌شدت غير عادلانه و غير منصفانه است، زمين اصلى بازى را رها کرده‌ايم و سراغ زمين‌ها يى رفته‌ايم که قابل دفاع نيستند. ممکن است برخى همکاران من از اين گفته‌ها آزرده‌خاطر شوند اما سوال من اين است که کجائى کار خبرنگار حوزه سينما يا روزنامه‌نگاران اقتصادى نويس سخت و زيان‌آور است؟ من روزنامه‌نگار بحران و جنگ و حوادث را به رسميت مى‌نسانم اما چگونه ممکن است کار روزنامه‌نگار سرويس آموزش سخت و زيان‌آور باشد؟ دستمزدهاى ناعادلانه به مراتب مسئله مهم‌ترى است که از سوى ما ناديده گرفته شده است. در شهرستان‌ها اغلب خبرنگاران دستمزدى حدود ۳۰۰ هزار تومان در يافت مى‌کنند. منطق درست اين است که تلاش کنيم دستمزدها بالا رود و از خدمات بيمه‌اى بهتر و مناسب‌تر هم براى خود و هم براى جامعه بهره‌مند شويم. جهان به اين منطق رسيده که بيمه ساز و کار حمايت گرا يانه در دست است.

بايد به اين ساز و کار عمق و پربوال ببخشيم اما در عوض سراغ مفاهيمى رفته‌ايم که قاعدتا چندان محل بحث نيستند. همه در حتما همين طور است. البته من از جمله کسانى هستم که متقدم ساختار روزنامه‌نگارى ايران به گونه‌اى است که يک انجمن صنفى نمى‌تواند جوابگوى آن باشد و ما احتياج به انجمن‌هاى صنفى مختلف داريم که الگوهاى آن هم در جهان وجود دارد. در دنيا هم الگوهاى انجمنى مانند سوئد وجود دارد و هم الگوهاى چندانجمنى مانند فرانسه. اتفاق عجيبى که براى انجمن‌هاى صنفى ما افتاده اين است که اين تشکلى‌ها اغلب نه تنها به يکديگر کمک نمى‌کنند که حتى دست به انکار يکديگر هم مى‌زنند. بنابر اين به رسميت نشناختن حقوق صنفى در ميان روزنامه‌نگاران يکى از مضللات اصلى است اما نمى‌توان تنها دليل وجود مشکلات کنونى را به نبود انجمن صنفى مرتبط دانست. حتى اگر هم چنين انجمنى داشتيم باز هم معضلات حل نمى‌شدند. چون پرداختن انجمن‌ها به چالش‌ها، کمتر توجه مسائل ساختارى بوده و اگر هم به اين سمت رفته‌اند، حوزه‌ها يى مانند سخت و زيان‌آور بودن شغل را انتخاب کرده‌اند که به هيچ‌وجه قابل دفاع نيست. ما به جاى اينکه به صورت طبيعى خواستار افزايش به حق و درست دستمزدهايمان شويم، که اغلب به‌شدت غير عادلانه و غير منصفانه است، زمين اصلى بازى را رها کرده‌ايم و سراغ زمين‌ها يى رفته‌ايم که قابل دفاع نيستند. ممکن است برخى همکاران من از اين گفته‌ها آزرده‌خاطر شوند اما سوال من اين است که کجائى کار خبرنگار حوزه سينما يا روزنامه‌نگاران اقتصادى نويس سخت و زيان‌آور است؟ من روزنامه‌نگار بحران و جنگ و حوادث را به رسميت مى‌نسانم اما چگونه ممکن است کار روزنامه‌نگار سرويس آموزش سخت و زيان‌آور باشد؟ دستمزدهاى ناعادلانه به مراتب مسئله مهم‌ترى است که از سوى ما ناديده گرفته شده است. در شهرستان‌ها اغلب خبرنگاران دستمزدى حدود ۳۰۰ هزار تومان در يافت مى‌کنند. منطق درست اين است که تلاش کنيم دستمزدها بالا رود و از خدمات بيمه‌اى بهتر و مناسب‌تر هم براى خود و هم براى جامعه بهره‌مند شويم. جهان به اين منطق رسيده که بيمه ساز و کار حمايت گرا يانه در دست است. بايد به اين ساز و کار عمق و پربوال ببخشيم اما در عوض سراغ مفاهيمى رفته‌ايم که قاعدتا چندان محل بحث نيستند. همه در

نماى نزديک

چندان با اين نظر موافق نيستم که حرفه روزنامه‌نگارى از جنس متعارف رابطه کارگرى و کارفرمايى است. اين نوع نگاه نه در سرشت اين حرفه است و نه در هيچ کجائى دنيا پذيرفته شده است. در روزنامه‌نگارى حرفه‌اى از روزنامه‌نگار درخواست‌ها يى مى‌شود که در هيچ حرفه ديگرى مطرح نمى‌شود. به طور مثال کتاب «عناصر روزنامه‌نگارى» اولين وظيفه روزنامه‌نگار را «وقف حقيقت شدن» دانسته است. مطابق اين تعريف و به لحاظ حرفه‌اى در بسيارى از مواقع منافع روزنامه‌نگار در تقابل با منافع کارفرما قرار مى‌گيرد.



وقتى در يک حرفه به طور مرتب با قطع و وصل شدن مواجه هستيد، به طور قطع به ساز و کارهاى حمايت گرا يانه هم کمتر فکر مى‌کنيد. با توقف کار يک نشر يه دغدغه اصلى روزنامه‌نگار يافتن شغل در نشر يه ديگر است. ■ عکس:مريضيه پروا



يکشنبه ● ۲۳ آبان ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و نه



مهم‌ترين مسئله، دستمزدهاى ناعادلانه است

دکتر حسن نمک‌دوست تهرانى، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگارى، از صاحب‌نظرانى است که اعتقاد دارد بايد واقعيت‌هاى روزنامه‌نگارى را آن گونه که هست ديد و تحليل کرد و براساس آن‌ها براى مشکلات فعلى چاره‌جويى کرد. در يکى از روزهاى نمايشگاه مطبوعات او روبه‌روى خبرنگار آتیه‌نو نشست و بر اين نکته تاکيد کرد که پيش از هر موضوع بايد حقوق و دستمزدهاى فعلى را در حد شان و زحمت روزنامه‌نگاران اصلاح کرد و افزايش داد تا ابتدايى ترين حق آن‌ها يعنى بر خوردارى از منبع معاش حداقلى و آبرومند تامين شود. او قويا تاکيد مى‌کند دنبال کردن مطالباتى چون سخت و زيان‌آورى شغل خبرنگارى در شرايطى که اين حداقل‌ها تامين نيستند تنها اشتباه گرفتن صورت واقعى مسئله است.

مهم است همين مفهوم رانت است که مى‌تواند سازمان يافته و يا موردى و به صورت يارانه باشد. همين عامل باعث شده تعداد بسيار زيادى روزنامه‌نگار داشته باشيم که در چارچوب اين گونه رسانه‌ها مشغول به فعاليت هستند و از آن سونيز چته‌اى کوچک به نام بخش خصوصى داشته باشيم که اساسا ظرفيت رقابت ندارند. به همين دليل است که امثال ما در مواجهه با درخواست روزنامه‌هاى غير دولتى و خصوصى براى نوشتن يادداشت يا سر مقاله، تقاضاى دستمزد را اساسا مطرح نمى‌کنيم. چون ما دينمى که اين روزنامه‌ها انقذر بنيه مالى ندارند که بخواهند به ما پولى پرداخت کنند. بخش عمده‌اى از مصائب روزنامه‌نگارى به همين دولتى بودن بر مى‌گردد که عوارض آن تا به امروز وجود داشته و در آينده هم استمرار خواهد يافت. چرا که در سطحى ديگر مانع شکل گيرى مناسبات حرفه‌اى ميان روزنامه‌نگاران با خود، با صاحبان نگاه مطبوعاتى، با مديران و مديريت سياسى کلان کشور مى‌شود.

■ **مسئله ديگر فهم و رفتار حرفه‌اى روزنامه‌نگاران و صاحبان بنگاه مطبوعاتى از ماهيت و الزامات کار رسانه‌اى است. نه روزنامه‌نگاران در مسائلى مانند بر خوردارى از حق بيمه، دستمزد و ساعات کار از نگاه خود مطالبه‌گرى مى‌کنند و نه مديران مسئول و سر مديران به نوع رابطه کارگر و کارفرمايى در اين حرفه توجه دارند. يعنى کارفرمايان نيز قائل به شائيت کارفرمايى نيستند. انگار مباحثى مانند بيمه و دستمزد موضوعات مضاعف و ثانويه است که تابع مهيا و امکان پذير بودن شرايط و ناشى از نوع روابط دوستانه و رفاقتى ميان دو طرف است که اجازه طرح خواسته‌ها را از مجراى درست و منطقى آن نمى‌دهد.**

من چندان با اين نظر موافق نيستم که حرفه روزنامه‌نگارى از جنس متعارف رابطه کارگرى و کارفرمايى است. اين نوع نگاه نه در سرشت اين حرفه است و نه در هيچ کجائى دنيا پذيرفته شده است. در روزنامه‌نگارى حرفه‌اى از روزنامه‌نگار درخواست‌ها يى مى‌شود که در هيچ حرفه ديگرى مطرح نمى‌شود. به طور مثال کتاب «عناصر روزنامه‌نگارى» اولين وظيفه روزنامه‌نگار را «وقف حقيقت شدن» دانسته است. مطابق اين تعريف و به لحاظ حرفه‌اى در بسيارى از مواقع منافع روزنامه‌نگار در تقابل با منافع کارفرما قرار مى‌گيرد. در وهله دوم کار روزنامه‌نگار روتين و استاندارد نيست. و يا اينکه در بسيارى از مواقع اين روزنامه‌نگار است که در ميدان عمل تصميم گيرنده نهايى است و کمتر درخواست‌ها و مصالح سردير و صاحب‌امتياز و… محلى از اعراب دارد. چون روزنامه‌نگار کار خود را انجام مى‌دهد. فارغ از اين‌ها در دنياى روزنامه‌نگارى خبرنگارى با پديده «خبر» سروکار داريم که در حرفه‌هاى ديگر شبیه به آن وجود ندارد. «خبر» اصلا خبر نمى‌کند که چگونه اتفاق مى‌افتد. نکته مهم اين است که احکام قانون کار موجود، به روزنامه‌نگاران تسرى داده شده و ما نبايد اين نکته را فراموش کنيم. بعضا شاهد اين هستيم که در برخى صحبت‌ها و اظهار نظر‌ها کار گر بودن خبرنگار و روزنامه‌نگار به عنوان فضيلت مطرح مى‌شود. البته کارگرى فضيلت بسيار پسنديده‌اى است اما روزنامه‌نگارى فضيلت‌هاى خاص خود را دارد. برخى از دوستان اصرار دارند که روزنامه‌نگارى در مفهوم کارگرى گنجانده شود. من براى اين نظر ها احترام قائم ولى حرفه روزنامه‌نگارى اخبرى اجتماعى» است که نياز به رفتار، ساز و کار و قواعد متناسب در همه سطوح دارد. بنابر اين نوع قراردادى که روزنامه‌نگاران منقذ مى‌کنند الزاما بايد متفاوت با قراردادى باشد که در مشاغل معمول مرسوم است. به طور مثال در کشور فرانسه قاعده‌اى به نام «استعفا بر اساس قيد وجدان» وجود دارد. در قوانين ما چنين قاعده‌اى وجود ندارد، اما شديدآ نياز مند آن هستيم. مى‌پذيريم که در بسيارى از مواقع رفتارها يى که در ساحت روزنامه‌نگارى انجام مى‌شود بر اساس معيارهاى دوستى و از نوع دوستانه است و کمتر ملاحظات حرفه‌اى در آن دخیل است. ما با دوستانمان همکارى مى‌کنيم و به نوعى درک متقابل با آن‌ها دست مى‌باييم که مثلاً اگر روزنامه توقيف شد، پولى براى پرداخت باقى نمى‌ماند. تاکيد من بر اين است که اگر تلاش کنيم از اين مرحله عبور کنيم، به نفع همه ما خواهد بود. يعنى تلاش کنيم کسى که مى‌خواهد به دنبال کسب امتياز راه‌اندازى نشر يه برود (که البته به عنوان روزنامه‌نگار با امتياز هم مخالف هستيم)، به اين فهم برسد که وارد فضای کسب‌و کار شده و بايد خود را متعهد به الزامات اين کسب‌و کار بداند. ما نيز به عنوان روزنامه‌نگار بايد به اين عرصه به عنوان حرفه و شغل اصلى خود نگاه کنيم و مقتضيات آن را در نظر بگيريم. بيمه يکى از مقتضيات به‌سامان شغلى است و بايد در مقابل ريسک‌هاى زندگى و اقتضائات جهان متحول به‌خوبى تکميل بشود. روزنامه‌نگاران نيز مانند هر قشر ديگرى با خطرات زندگى مواجه مى‌شوند و لازم است به فکر مديريت خطرات پيش آيند باشند.